

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی: در خصوص چگونگی حضور نرم تمدنی زنان خواستم افکاری را که در طی برخوردی از ذهن بنده می گذشت با جناب استاد در میان بگذارم. چندی پیش در متروی شهر بزرگی در اروپا نشسته بودم که توجهم به خانواده ای جلب شد که تازه وارد مترو شدند. زن اروپایی به همراه دو دخترش با حجاب و پوشش کامل اسلامی. آری گاهی حجاب، بیشتر جلب توجه می کند ولی نه جلب توجه از نوع تحریک، بلکه از آن حیث که در جامعه ی عموماً بی حجاب که اغلب نوع پوشش با هدف تحریک انتخاب می شود، یک زن باحجاب وقاری خاص دارد که آن وقار ناگهان توجه انسان را به خود جلب می کند. لحظه ای در فکر فرو رفتم که چه چیز باعث می شود که یک زن غربی در قلب اروپا اینقدر نسبت به مسئله پوشش و حجاب خود اهتمام بورزد و بخواهد در قامت یک زن مسلمان باحجاب در جامعه حاضر شود؟! و اینکه آن چیز هر چه هست، آیا می تواند باعث حجاب اختیاری دختران و زنان در جامعه ما نیز بشود؟ و این پرسش مهم‌تری بود که به ذهنم خطور کرد و اینکه رسیدن به جواب صحیح این پرسش شاید بتواند راه گشایی برای فرهنگ سازی و حل مسئله حجاب در جامعه ما باشد. به نظر بنده حجاب کامل یک زن اروپایی آنهم در جامعه غربی به هیچ وجه نمی تواند به خاطر رفتن به بهشت یا ترس از جهنم باشد. و این احتمال هم که مثلاً اینگونه پوشش بخاطر مصون ماندن از نگاه های جنسی باشد هم زیاد واقع بینانه نیست. چون با پوشش کمتری هم در جامعه غرب می‌توان از جلب نگاه های ناصواب در امان ماند. ولی چرا در این تاریخ یک زن اروپایی به صورت کاملاً اختیاری و خود خواسته حجاب و پوشش کامل اسلامی را بر می‌گزیند؟ در واقع اگر بخواهیم عمیق تر شویم، احتمال می رود این زن اروپایی با ظاهر شدن در پوشش اسلامی، بیشتر از اینکه پیدا نبودن موهایش برایش مطرح باشد حضور یافتن در هویت و در قامت یک زن مسلمان برایش اهمیت دارد! ولی در مقابل چه؟ درست در مقابل هویت زن غربی مدرن که طرز پوشش ابزار گونه او را مد زمانه و سیستم حاکمیت با مبنای اصالت لذت و با هدف تحریک بیشتر توسط تبلیغات گسترده تعیین می کند و بدتر از همه اینکه سیستم حاکمیت غرب به این زن توهم آزادی هم می‌دهد، در صورتی که این زن در همان هویتی ظاهر می‌شود که حاکمیت جهان غرب برای او تعریف و به او القاء کرده است. پس ظاهر شدن در پوشش کامل اسلامی توسط یک زن در جامعه غربی در حله اول «لا گفتن» به هویت از پیش تعریف شده زن مدرن است و در حله بعد «الا گفتن» در اختیار کردن پوشش زن مسلمان به عنوان هویتی که حاکمیت جهان غرب از آن هویت هراس و با آن دشمنی دارد، چراکه درست در سمت مقابل هویت زن مدرنی است که با ملاک های مادی تعریف می کند و نیست

انگاری و قائل نبودن به حقیقت جزو لاینفک آن هویت می باشد! پس در این تاریخ ظاهر شدن در هویت و قامت یک زن باحجاب مسلمان اگر با بصیرت کامل باشد یک نوع مبارزه است با ملاک های ارزشی تمدن مادی غرب و سبک زندگی که دارد به بشر و بخصوص به زن تحمیل می کند تا به منافع و مطامع خود برسد! از طرف دیگر شاید مهمتر از حجاب بیرونی، حجاب درونی و محجوب بودن شخصیت یک انسان است که زن و مرد هم ندارد که اتفاقاً فرهنگ غربی با آن هم کاملاً سر ستیز دارد. با شرم و حیا داشتن، با ساده زیستن، با قانع بودن، با زیاده خواهی نکردن و حریص نبودن. فرهنگ مادی غرب نه فقط با حجاب که با همه این ارزش ها سر ستیز دارد. پس در این تاریخ که تاریخ تقابل فرهنگ مادی مدرنیته با جهان بینی توحیدی است، یک زن محجوب ساده زیست با شرم و باحیا که اهل تجملات و تشریفات نیست و قناعت را دوست دارد و به فرزندان خود نیز این ارزشها را منتقل می کند تنها با بودن خود و اینگونه زیستن خود دارد در این تاریخ یک نوع جهاد فی سبیل الله می کند! نوعی از جهاد که توانایی و نقش یک زن بخصوص در حوزه تربیت فرزند و انتقال ارزشهای توحیدی در آن بیشتر از مردان است. آیا می شود اینگونه زیستن یک زن را ذیل حضور نرم تمدنی او در این تاریخ دانست؟ و پرسش بعدی اینکه آیا می توانیم به وضعیت کنونی حجاب در جامعه مان این نگاه خوش بینانه را داشته باشیم که این وضعیت می تواند یک دوران گذاری باشد برای به ظهور آمدن زنان با حجاب در آینده ولی نوعی حجاب خودخواسته که با رسیدن به بصیرت و عمق نگاه بیشتر نسبت به پوشش و حجاب اسلامی اهتمام می ورزند؟ همانطور که در جامعه غرب ما شاهد ظهور هر چه بیشتر این زنان هستیم؟ التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جای بسی خوشبختی و خوشوقتی است که به این خوبی متذکر حضور نرم تمدنی زنان شده‌اید و این که وجه نهایی حجاب چگونه حضور یافتن در عرصه‌ای است که عرصه سیطره معنای پوچ فرهنگ غربی در قالب «مُد» نیست، بلکه حضور هوشیارانه‌ای است تا زنان ما برای آن که خودشان باشند، حجاب را انتخاب می‌کنند. امری فوق فرار از آتش جهنم، بلکه نظر به بهشتی که در اکنون خود «حیا» را در زنان ما زنده نگه می‌دارد و حقیقتاً همان‌طور که فرموده‌اید این نوعی جهاد فی سبیل الله است تا مانند مجاهدان، تاریخ دیگری گشوده شود که تاریخ سیطره فرهنگ خودنمایی و ستیز با آرمان‌های انسانی نیست. مباحثی که تحت عنوان «زن و حضور نرم تمدنی»

<https://lobolmizan.ir/search?search=%D9%88%20%D8%AD%D8%B6%D9%88%D8%B1%20%D9%86%D8%B1%D9%85&tab=sounds>

ما متوجه باشند با حجاب خود می‌توانند در جبهه مقاومت، حضور نرمی را به میان آورند که نوعی انتخاب است از جنس انتخاب انسان‌های بزرگ که نمی‌خواهند و نمی‌خواسته‌اند خود را با انواع روزمرگی‌ها نابود کنند. زن و حضور نرم تمدنی، نوعی از حضور است با نظر به چشم‌اندازی که «حجاب»

و «حیا» انتخابِ حیات برتر و متعالی به حساب می‌آید مانند همان خانمی که از او گفتید که چگونه با انتخاب حجاب خود در دل اروپا معنای فاخری را در خود محقق کرده بود. موفق باشید